

یادداشت

از روّیا تا واقعیت

منظور نه شرکت‌های ۳۰۰مگاواتی دولتی، بلکه سازندگان دو، پنج و ۱۰مگاواتی‌اند؛ همان بازیگرانی که قرار بود موتور محرک توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر خصوصی باشند. تاکنون هیچ آمار شفافی درباره تعداد این شرکت‌های کوچک که موفق به دریافت تسهیلات شده‌اند و شرایط دقیق این تسهیلات منتشر نشده است.

وثیقه صد درصد: تسهیلاتی که «تسهیل» نمی‌کند

بخش مهمی از مسئله، ماهیت واقعی چیزی است که در ادبیات رسمی «تسهیلات» نامیده می‌شود. در عمل، وقتی یک طرح خورشیدی به پشتوانه اوراق مشارکت به بانک برده می‌شود، بانک در ازای پرداخت وام، وثیقه و تضمین صددرصدی مطالبه می‌کند. چنین فرایندی را به‌سختی می‌توان «تسهیلات» نامید؛ چراکه چیزی «سهل» و در دسترس برای فعالان این حوزه در آن دیده نمی‌شود. این نوع تأمین مالی بیشتر بر پایه اعتبار و دارایی از پیش موجود شرکت‌ها شکل می‌گیرد، نه بر پایه توجیه اقتصادی خود طرح. روایت رسمی ساتبا از این فرایند تصویری ساده‌تر ارائه می‌دهد: ثبت شرکت، دریافت زمین و مجوز و سپس مراجعه به بانک برای دریافت تسهیلات. اما فاصله میان این روایت تبلیغاتی و پیچیدگی واقعی مسیر بانکی، همان نقطه‌ای است که باید در سیاست‌گذاری این حوزه شفاف‌سازی شود.

وقتی نهاد ناظر، خودش وار دکننده و طلبکار می‌شود

شاید جنجالی‌ترین بخش این پرونده به مسیر دوم تأمین مالی مربوط باشد. در این مدل، ساتبا خود مستقیماً تجهیزات را از خارج کشور وارد و سپس شرکت‌های متقاضی احداث نیروگاه را به صندوق حمایتی معرفی می‌کند تا در ازای ارائه تضمین لازم، همان تجهیزات را به‌صورت اقساطی دریافت کنند. این فرایند را به دشواری می‌توان تسهیلات نامید؛ در عمل شبیه یک فعالیت تجاری پرسود برای خود ساتباست. نهادهی که قرار بود در جایگاه سیاست‌گذار و تسهیلمگر بایستد، در این مدل عملاً وار دکننده کالا و طلبکار شرکت‌های متقاضی می‌شود. این نکته دو پرسش جدی برمی‌انگیزد: نخست اینکه چرا اساساً یک نهاد حمایتی وارد کار واردات کالا شده است؟ و دوم اینکه اگر قرار است این کالا به‌صورت تسهیلات در اختیار سازندگان قرار گیرد، چرا در دل آن سود تجاری هم لحاظ و «تسهیلات» در نهایت گران‌تر از انتظار تمام می‌شود؟ در کنار این پرسش‌ها، سرنوشت نیروگاه‌هایی که از این مسیر تجهیزات نگرفته و خودشان مستقل سرمایه‌گذاری و واردات کرده‌اند نیز مهم باقی می‌ماند: آیا این دسته از سازندگان اساساً توانسته‌اند به تسهیلات بانکی واقعی دسترسی پیدا کنند؟

پرونده‌ای که منتظر سه پاسخ است

این پرونده در نهایت سه پرسش کلیدی را پیش‌روی بانک مرکزی، مدیران عامل بانک‌های عامل و مسئولان ساتبا قرار می‌دهد: ۱. بانک مرکزی و بانک‌های عامل تاکنون دقیقاً چه میزان تسهیلات به نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس و خصوصی پرداخت کرده‌اند؟ ۲. واقعیت میدانی این تسهیلات، فارغ از آمار تبلیغاتی، چیست و چه میزان دیگر باید پرداخت شود تا به تعهدات اعلامی جمله عمل بپوشد؟ ۳. نقش واقعی ساتبا در مدیریت و هدایت این فرایند چیست؟ آیا این نهاد در جایگاه سیاست‌گذار و تسهیلمگر ایستاده یا در عمل به یک بازیگر تجاری ذی‌نفع در زنجیره واردات و تأمین مالی تبدیل شده است؟ پاسخ به این سه پرسش، رمز میان «روّیای توسعه انرژی خورشیدی و واقعیت»، دشوار تأمین مالی آن را روشن خواهد کرد؛ مرزی که تا امروز در سکوت آماری و وعده‌های تکرار شونده باقی مانده است.

منطق محاسباتی جنگ و صلح

در آن نشست ایشان با پرسش از دیپلمات‌ها و با جمع‌زدن عددهای اعلام‌شده از سوی حضار، به این نتیجه رسیده بود که ایران می‌تواند در شرایط تحریم ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد صادراتی کسب کند. البته ناگفته نپاسد که ایشان هیچ استدلالی برای اثبات این ادعا یا مستنداتی برای بررسی امکان‌پذیری آن یا حتی سیاهه اعداد و ارقام دریافتی از همکاران سابقش که جمع آنها به ۲۰۰ میلیارد دلار برسد، ارائه نکرد.

۳. در اوایل دهه ۸۰ و هم‌زمان با تلاش دولت وقت برای اجرائی‌کردن قرارداد کرسنت و جلوگیری از هدر رفتن گاز استحصالی، آقای سعید جلیلی با این ادعا که اجرای این قرارداد به ضرر کشور است و عدم اجرای آن خسارت چندانی به کشور تحمیل نمی‌کند، مانع اجرای آن شد. البته ایشان باز هم هرگز مبنای محاسباتی خود را برای برآورد منافع و مضرات این اقدام اعلام نکرد. نتیجه این اقدام ایشان این شد که هر چند گاه یک بار خبر تلخ توقیف اموال کشورمان را در بلاد فرنگ بشنویم و البته ایشان لابد هنوز هم مدعی است خسارت چندانی به کشور تحمیل نشده است. ۴. در اواخر دهه ۸۰ و در شرایطی که حلقه تحریم نفتی ایران شدیدتر می‌شد، وزیر نفت دولت نهم می‌گفت نفت ایران را نمی‌توان تحریم کرد؛ زیرا اگر این اتفاق بیفتد، قیمت نفت به بالای ۲۰۰ دلار خواهد رفت و عدالیتبه ایشان هم هرگز نحوه محاسبه خود و اعدادی را که با ضرب و تقسیم‌شان به رقم ۲۰۰ دلار رسیده بود، ارائه نکرد. موارد فراوانی از این شاهکارهای محاسباتی را می‌توان برشمرد که مرور آنها جز ملال و تأسف نصیب خوانندگان نمی‌کند. مسئله این است که سخنوران و صاحبان تریبون وابسته به یک جریان سیاسی بدون استناد به محاسبات و برآوردهای کارشناسانه تلاش در پیش‌بردن و حاکم‌کردن نظرات خود دارند و در این مسیر نه از این اتفاق بیفتد، سیاسی و اجتماعی این رفتار توجهی دارند و نه در مورد نتایج ناگوار تحمیل‌هایشان مسئولیتی می‌پذیرند. حال خواننده محترم خود تصور کند که وقتی سخنورانی با این خطای مسلم تکرشی درباره مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسئله کشور یعنی جنگ با بزرگ‌ترین ارتش جهان اظهارنظر کنند، چه شرایطی پیش خواهد آمد.

هند به سمت آینده‌ای متفاوت گام برمی‌دارد؟

سوسک‌ها در سرزمین پیرمردها

مهسا مزدهی: حزب سوسک‌ها در هند که اقداماتشان در ماه گذشته به استغفای دارمندرا پرادهان، وزیر آموزش این کشور منجر شد، آینده‌ای تازه را پیش چشم جوانان هندی گشوده است. شمار خودکشی‌های دانشجویی در هند طی ۱۰ سال گذشته به‌شدت افزایش یافته است و بسیاری از خانواده‌ها سوءمدیریت نظام آموزشی را یکی از عوامل مؤثر در این تـراژدی می‌دانند. فشار ناشی از امتحانات در هند در سال‌های اخیر بیش از پیش افزایش داشته است. بر اساس گزارش مرگ‌های تصادفی و خودکشی‌ها در هند که اداره ملی ثبت جرائم این کشور منتشر کرده، شمار خودکشی‌های دانشجویی از هشت‌هزارو ۶۸ مورد در سال ۲۰۱۴، به ۱۴هزارو ۴۸۸ مورد در سال ۲۰۲۴ رسیده و افزایشی حدود ۸۰درصدی را به ثبت رسانده است. پس از مشکلات خانوادگی، شکست در امتحانات به عنوان دومین عامل اصلی خودکشی در میان دانشجویان و دانش‌آموزان دانسته می‌شود.

پیش به سوی آینده‌ای متفاوت

وقتی دولت هند در اواخر جولای و پس از هفته‌ها اعتراض، استعغفای وزیر آموزش این کشور را اعلام کرد، موجی از شادی در سراسر هند به راه افتاد. دانشجویان از نقاط مختلف کشور به تظاهرات گسترده‌ای پیوسته بودند که جنبش سوسک‌ها رهبری آن را بر عهده داشت؛ اعتراض‌هایی که در پی افزایش ناراضیاتی از لُغوهای مکرر امتحانات و افشای سوالات آزمون‌ها شکل گرفته بود. جنبش سوسک‌ها پس از طرح اتهام‌هایی درباره افشای سوالات چندی از بزرگ‌ترین آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های هند آغاز شد. این حرکت ابتدا با مطالبه اصلاحات آموزشی شکل گرفت، اما به تدریج به اعتراضی گسترده‌تر علیه بیکاری، پاسخ‌گویی دولت و فرصت‌های اقتصادی بدل شد. دانشجویان، شاغلان، خانواده‌ها و کنشگران در دهلی‌نو و دیگر شهرهای هند به این تجمع‌ها پیوستند. نسل زدی‌هایی که علیه دولت مودی و سیاست‌های جوان‌ستیزانه‌اش به خیابان‌ها آمده بودند، پس از آن اسم سوسک را بر خود گذاشتند که رئیس دیوان عالی این کشور، از معترضان به نام

سوسک یاد کرده بود. بعد از این سخنان، جوانی به نام آیهجیت دیکه با پیش گذاشت و در شبکه‌های اجتماعی جنبشی به راه انداخت و طرفداران زیادی را به خود جلب کرد. آیهجیت دیکه، کارشناس ارتباطات سیاسی و دانشجوی دانشگاه بوستون، این حزب را ایجاد کرد. جنبش سوسک‌ها که به حزب سوسک‌ها هم مشهور است، البته امروز هیچ جایی در عرصه سیاسی هند ندارد. با این حال، جوانان و نسل «زده» در این کشور به آن اقبال فراوانی نشان داده‌اند. جنبشی که در میان شوخی و خشم کاربران شبکه‌های اجتماعی تشکیل شد، تا جایی پیش رفت که خیابان‌های هند را درنوردید و ناراندرا مودی، نخست‌وزیر سنی هند را وادار به عقب‌نشینی و دادن امتیاز کرد.

وضعیت اقتصادی جوانان در هند

جوانان هندی معتقدند کشورشان به دست پیرمردان مصلحت‌طلب اداره می‌شود. آنها امروز اعتقاد دارند سیاست‌های پیشین نتوانسته‌اند وضعیت را برایشان بهتر کنند. ناگهی به آمار و ارقام نشان می‌دهد اعتراض نسل زدِی‌ها نه از سر شکم‌سیری، بلکه ریشه در واقعیات اقتصادی و سیاسی دارد. آخرین داده‌های مرکز ملی آمار هند (MoSPI)، نتایج پیمایش‌های دوره‌ای نیروی کار (PLFS) و گزارش‌های بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌الملجاس (IPU) و سازمان بین‌المللی کار (ILO) وضعیت



جوانان در هند را در آستانه بحران توصیف می‌کنند. هند با میانه سنی حدود ۲۸ سال و حضور بیش از ۶۵ درصد جمعیت زیر ۳۵ سال، جوان‌ترین اقتصاد بزرگ جهان را در اختیار دارد. جمعیت گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال این کشور حدود ۴۲۰ میلیون نفر برآورد می‌شود. با وجود این جمعیت عظیم از جوانان، رشد اقتصادی هند نتوانسته است به همان نسبت فرصت‌های شغلی باکیفیت برای نسل جوان ایجاد کند. بر اساس آخرین گزارش‌ها، نرخ عمومی بیکاری کشور حدود ۵.۵ درصد است؛ اما این آمار، چالش‌های زیرپوستی را پوشش نمی‌دهد. نرخ بیکاری شهری میان جوانان به‌مراتب بالاتر است و بیکاری در میان جوانان دارای مدرک دانشگاهی به بیش از ۳۵ تا ۴۰ درصد می‌رسد. علت اصلی این امر، عدم انطباق شدید میان خروجی سیستم آموزشی و نیازهای بازار کار مدرن است. پدیده نیت در هند هم مشکلی بر مشکلات این کشور اضافه کرده است. حدود ۲۵ درصد از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در گروه نیت قرار دارند؛ یعنی نه در حال تحصیل هستند، نه اشتغالی دارند و نه دوره‌های مهارت‌آموزی را می‌گذرانند و اغلب در خانه والدینشان روزگار می‌گذرانند. نزدیک به ۹۰ درصد از مشاغل جوانان در بخش غیررسمی، بدون قرارداد مکتوب، امنیت شغلی و مزایای اجتماعی است. در این میان، اقتصاد گیگ و پلتفرم‌های دیجیتال (مانند خدمات تحویل و حمل‌ونقل) به پناهگاه اصلی جذب سریع جوانان تبدیل شده‌اند؛ شغلی که اگرچه در کوتاه‌مدت درآمدزاست، اما ارتقای شغلی بلندمدت ایجاد نمی‌کند. رخ مشارکت زنان در نیروی کار در مناطق روستایی بهبود نسبی نشان داده، اما در مناطق شهری نرخ مشارکت زنان جوان همچنان پایین (حدود ۲۵ درصد) باقی مانده است. مسئولیت‌های خانگی، مسائل امنیتی در رفت‌وآمد و فشارهای سنتی همچنان مانع ورود پایدار زنان جوان به بازار کار رسمی می‌شوند. مسئله دیگر این است که تمایل به مهاجرت تحصیلی و کاری در میان جوانان طبقه متوسط شهری به دلیل دسترسی به کیفیت زندگی بهتر و درآمدهای متناسب با مدرک تحصیلی، در بالاترین حد خود قرار دارد.

۲ جای خالی نسل جوان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی
سیاست در هند هم از دسترس جوانان دور است. آنها با جمعیت بزرگ خود نقش اندکی در سیاست‌گذاری‌های این کشور دارند. گزارش‌های آماری اتحادیه بین‌المجالس نشان می‌دهد با وجود اینکه هند جوان‌ترین کشور دنیاست، سهم نمایندگان زیر ۳۵ سال در پارلمان ملی فقط حدود سه درصد است. درصد نمایندگان بین ۲۵ تا ۴۵ سال طی چند دهه گذشته روندی نزولی داشته و از حدود ۳۰ درصد به نزدیک ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده است. میانگین سنی نمایندگان پارلمان همچنان بین ۵۵ تا ۶۵ سال است. در هند ورود جوانان بدون پیشینه خانوادگی سیاسی به سطوح بالای احزاب بسیار دشوار است. هزینه‌های بالای رقابت‌های انتخاباتی و ساختارهای سنتی احزاب اصلی، مانعی جدی برای نخبگان جوان غیروابسته ایجاد کرده است. طرح‌هایی مانند پارلمان جوانان با هدف شبیه‌سازی فضای قانون‌گذاری و درگیرکردن جوانان با سیاست‌گذاری‌های ملی اجرا شدند، اما این برنامه‌ها بیشتر جنبه آموزشی و مشورتی داشته و فاقد ضمانت قانونی بودند. اگرچه حضور فیزیکی جوانان در ساختار قانون‌گذاری کمرنگ است، حضور آنان در میزهای خبری، جنبش‌های خیابانی، دانشجویی و به‌ویژه کنشگری در شبکه‌های اجتماعی بسیار پررنگ است. جوانان هندی بیشترین تأثیر را بر گفتمان‌های عمومی از طریق کمپین‌های دیجیتال، مطالبات مربوط به آزمون‌های استخدامی و شفافیت اداری می‌گذارند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۶۰۲۵۰۹۱/۳۱۰۰۴۶۰۱۴۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم روح انگیز بیگم مسعود بشماره شناسنامه ۰۰۱۴۳۲۸۵۴ صادره از تهران ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع پلاک ۷۷ / ۴۵۸ مترمربع پلاک ۵۰۵۳ فرعی از ۱۲ اصلی بخش ۱۰ واقع در محمودآباد خریداری از مالک رسمی آقای محمد یوسفیان محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۳۳۵۰۶۹ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ مهدی آزاد از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۹۲۰	
--	--

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۶۰۰۷۴۹۵/۳۱۰۰۵۶۰۱۴۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی زارعی فرزند سیف اله بشماره شناسنامه ۵۰۰۰۰۱۰۰۸۶ صادره از محمودآباد ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۸۹ / ۲۰۰ مترمربع پلاک ۴۲۴۸ فرعی از ۴۷ اصلی بخش ۱۰ واقع در محمودآباد خریداری از مالک رسمی آقای علی اکبر خاکپور محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۳۳۵۰۶۵ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ مهدی آزاد از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۹۲۲	
--	--

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۶۰۰۵۶۱۱/۳۱۰۰۵۶۰۳۱۰۰۴۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم قمر موسوی فرزند سید محمد بشماره شناسنامه ۱۹۶۳ صادره از تهران ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۵۳ / ۴۴۲ مترمربع پلاک ۸۰۹ فرعی از ۲۴ اصلی بخش ۱۱ واقع در رودپشت خریداری از مالک رسمی آقای فضل اله فاضلی محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۳۳۵۰۶۷ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ مهدی آزاد از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۹۲۱	
---	--

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۶۰۰۴۱۰۹/۳۱۰۰۵۶۰۳۱۰۰۴۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محمودآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زاله روشن بخت فرزند علی بشماره شناسنامه ۸۳ صادره از بهبهان ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۱۹۸۵۱ مترمربع پلاک ۸۰۸ فرعی از ۲۴ اصلی بخش ۱۱ واقع در رودپشت خریداری از مالک رسمی آقای عبدالعلی اکبرپور محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م.الف. ۲۳۳۵۰۶۳ تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ مهدی آزاد از طرف رئیس ثبت اسناد و املاک۲۹۲۳	
---	--

برگ سبز خودرواننت پیکان سفید روغنی مدل ۱۳۷۶ به شماره پلاک ۱۳۱ ایران ۸۳۱ب ۶۸ شماره شاسی۷۶۹۱۴۲۴۹ و شماره موتور۴۸۳۰۱۱۵۱۷۶ به نام مصطفی قاسمی باکد ملی ۴۸۵۹۳۲۸۷۴۴ مفقود شده و فاقد اعتبار است.	
---	--

برگ سبز پراید سفید مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۱۸۴ ایران ۹۱۹س ۳۹ شماره شاسی۸۱۹۰۲۱۰۰D۱۳۱۷۵۱۹ NASF و شماره موتور۴۹۵۶۷۶۸ به نام عبدالصالح استیدار باکد ملی ۴۶۹۹۹۷۵۶۰۷ در ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ مفقود شده و فاقد اعتبار است.	
---	--

برگ سبز و کارت موتور سیکلت زوتتس سفید مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۵۴۲ ایران ۱۶۳۴۷ شماره شاسی۹۰۲۱۹NEH۹۰۳E۱۰۵۸N و شماره موتور۰۳۳۸۰۰۳۳۸۰N۵۸۰ به نام رضا احمدوند باکد ملی ۳۹۶۲۵۴۰۷۴۱ در ۱۴۰۵/۰۱/۱۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.	
---	--

یادداشت

دولت معیشت

از اواخر دهه ۱۳۶۰ توسعه به معنی رشد اقتصادی اعلام شد و جهت‌گیری دولت برای تحقق این هدف بود که از ابزارهای مختلفی هم استفاده کرد، هرچند به هدف اعلام‌شده دست نیافت. در اواسط دهه ۱۳۷۰ توسعه به معنای گسترش آزادی‌های سیاسی و جامعه مدنی تلقی شد و ابزارهایی هم در جهت دستیابی به آن به کار گرفته شد. در این دوره شاخص‌های اقتصادی بهترین وضعیت را پیدا کردند. در دوره‌های بعدی دولت‌ها جهت‌گیری‌های مختلفی داشتند. مثلاً در اواسط دهه ۱۳۸۰ توسعه به معنای توزیع منابع در نظر گرفته و از ابزاری مانند قانون هدفمندی یارانه‌ها برای تحقق آن استفاده شد اما در نهایت عدالت محقق نشد و بیشترین رانت و انحصار ایجاد شد. اما در دولت فعلی جهت‌گیری تأمین معیشت اعلام شده است. آیا از جهت‌گیری رشد اقتصادی و توسعه آزادی‌های سیاسی به تأمین حداقل‌های زندگی رسیده‌ایم؟ آیا این جهت‌گیری نشان‌دهنده این است که نه‌تنها رشد اقتصادی و گسترش فرصت‌ها و عدالت ایجاد نشده بلکه تأمین کالاهای اساسی، مسئله اساسی شده است؟ لازم است دولتمردان توضیح دهند که آیا جهت‌گیری اساسی دولت که تأمین معیشت اعلام می‌شود، که البته در وضعیت جنگی به خوبی از پس آن برآمده است که با یادداشت دیگری در همین روزنامه به مورد آن نوشته‌ام، موقت و در شرایط جنگی است یا این جهت‌گیری تا پایان دولت است. اگر چنین است، پس برنامه هفتم توسعه زام برنامه‌های پنج‌ساله توسعه پس از ۳۰ سال به برنامه پنج‌ساله پیشرفت تغییر کرده است) چه می‌شود. درحالی‌که جهت‌گیری دولت تأمین هزینه یارانه و کالابرج و به اصطلاح معیشت مردم است، چگونه می‌توان دلم‌مشغول پیشرفت بود، مگر اینکه پیشرفت را به معنای تأمین نیازهای اساسی حداقلی دانست. شاید بتوان نام این دولت را دولت معیشت گذاشت یا بهتر بگویم دولت تأمین‌کننده کالاهای اساسی. شاید هم دولت چاره دیگری ندارد؛ دولتی که با بزرگ‌ترین بحران‌ها از جمله دو تهاجم و جنگ بزرگ مواجه بوده است.